



منیره فتاحی اردکانی

پیرویش یافته در امان صهیونیسم

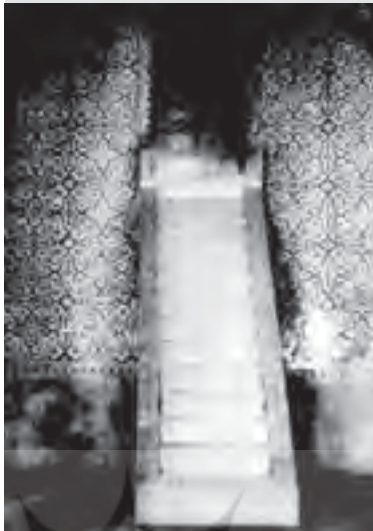


اشاره
فرقه بهائیت از سال ۱۲۶۰ قمری توسط علی محمد باب که خود را «باب» امام
زمان (حج) و وسیله تمایز مردم با آن حضرت معرفی می کرد، به وجود آمد. وی به سبب
عقاید گوناگونی وی شدند و بدین ترتیب، میان پیروان این فرقه اختلاف افتاد. گروهی
مدعی «صبح ازل» (بابی ها) و تعدادی بسیاری دیگر «بهاء اسم» (بهایی ها) شدند و
پیرو «صبح ازل» و یارانش را به قهرس هدایت می کردند. از آنجا که بهائیان در
برای پایان دادن به درگیری ها، بهاء اسم و طرفدارانش را به آنجا که بهائیان در
انتهای صبح ازل و یارانش را به قهرس هدایت می کردند. از آنجا که بهائیان در
مسئله ای چون اسلام سنتی دارای اهداف مشترک با صهیونیست ها بودند،
پس از تشکیل رژیم غاصب اسرائیل و راه اندازی سیاست های
این فرقه در شهر جناف، به طور کامل در نوشتار ذیل
قرار گرفته و فعالیت آن ها بر اساس خواسته های
صهیونیست ها تنظیم شد. در نوشتار ذیل
می گوئیم: برخی از زواری این پدیده
پنهان روابط متقابل این دو
پدیده جعلی را بررسی
کنیم.

علی محمد شیرازی ملقب به باب / مؤسس فرقه بابیه
۱۲۶۶-۱۲۳۵ ه.ق



منبر مسجد وکیل شیراز / محلی که علی محمد باب
اعلام کرد امام زمان می باشد! و پس از چندی پیامبر
جدید شد!



سوم آن که اگر باعث غلبه و قدرت بهائیان گردد، عجالتاً در حزب آنان وارد کرده باشند.^۲ بنابر این طبیعی است که از پیشرفت و گسترش این فرقه ساختگی خوشحال شوند و از هیچ کمکی در این راه دریغ نوزند.

نکته قابل توجه در این میان این است که دلدادگی بهائیان به یهودیان، ریشه‌ای دیرینه‌تر از عمر رژیم اسرائیل دارد، به گونه‌ای که میرزا حسینعلی بهاء (مؤسس بهائیت) تجمع و عزت‌یابی یهودیان در ارض موعود را مطرح می‌کند و ده‌ها سال بعد، بشارت‌های او مبنی بر تأسیس اسرائیل با آب و تاب در مطبوعات غربی منعکس می‌شود: «روزنامه‌ها [ی ایتالیا] در اهمیت امر مبارک مقالاتی نوشتند. حتی بشارت حضرت بهاء... را به جهت بنی اسرائیل و عزت و اجتماع آنان را در سرزمین موعود و اسرائیل یادآوری نموده بودند.»^۳ همچنین عباس افندی (از دیگر رهبران بهائیت) در سال ۱۹۰۷ میلادی خطاب به یکی از یهودیان بهایی شده می‌گوید: «این جا فلسطین است، اراضی مقدسه است، عن قریب قوم یهود به این اراضی بازگشت خواهند نمود، سلطنت داوودی و حشمت سلیمانی خواهند یافت. این از مواعید صریحه الهیه است و شک و تردید ندارد...»^۴

بن زوی (از فعالان صهیونیست که بعدها به ریاست جمهوری رژیم اشغالگر قدس رسید) نیز به ملاقات خویش با

میرزا یحیی نوری ملقب به صبح ازل / ۱۳۳۰-۱۲۴۷ ه.ق



و تشبیت جمعیت اسلام شود و سبب تفریق مسلمین گردد، البته دشمن... دلشاد گردیده وی را استقبال می‌کند... [یهودیان] در دخول در مجامع و محافل بهائیان سه فایده مسلم برای خود تصور داشته: اول آن که لاقلاً سیاهی لشکر دشمنی می‌شوند که بر ضد اسلام قیام کرده و رایت تشبیت و تفریق را بلند نموده است. دوم آن که از مسأله اجتناب و دوری که در مسلمین شیعه نسبت به یهود بود، مستخلص می‌شوند و با آن‌ها معاشرت می‌کنند بلکه وصلت می‌نمایند.

عباس افندی (عبدالبهاء) رهبر دوم فرقه بهائیت
۱۳۴۰-۱۲۶۰ ه.ق



براساس بررسی‌های تاریخی، یهودیان نقش بسزایی در پیدایش، گسترش و رشد بابیه و بهائیه داشته‌اند. به گواهی اسناد تاریخی، پنج سال پیش از آغاز دعوت علی محمد باب و درست اندکی پس از استقرار کمپانی ساسون در بوشهر و بمبئی، یهودیان مشهد بدون هیچ فشاری به طور دسته‌جمعی مسلمان شدند و نخستین کسانی هم که در خراسان بابی شدند، همین یهودیان جدید اسلام مشهد بودند. همچنین ورود بابی‌گری به «سیاهکل» توسط میرزا ابراهیم، یهودی جدید اسلام ساکن رشت، صورت گرفت. «دائرةالمعارف یهود»، یهودیان جدید اسلام مشهد را در شمار یهودیان مخفی (انوسی‌ها) دسته‌بندی می‌کند - نه ذیل مرتدین - و این نشان می‌دهد که آن‌ها براساس طرح و برنامه و به دستور محافل دینی خود و برای فریب افکار عمومی به این کار تن داده بودند. به نوشته والتر میشل - محقق یهودی - این یهودیان مخفیانه به دین یهود پایبند بودند.

حسن نیکو - مبلغ پیشین بهائیت - می‌نویسد: طبقه دیگر [بهائیان]، یهودی هستند که با چه بغض و عنایه به اسلام معروفند. در چنین صورتی اگر کسی علمی بلند کند که باعث تفریق



باید گفت آینده ما (بهائیت و اسرائیل) چون حلقیات زنجیر به هم پیوسته است.^۶ بهائیان همچنین ستاره داوود را مانند بایه اسم اعظم می دانند و برای جلب محبت، اسم اعظم را که شعار بهائیت است، ترسیم و در قبرستان یهودیان مدفون می سازند.^۷ ارادت بهائیت

به صهیونیسم تا حدی است که شوقی افندی یکی از مهم ترین وظایف «شورای بین المللی بهائیان» را برقراری رابطه با دولت اسرائیل قلمداد می کند و در نقشه ده ساله اش حمایت از اسرائیل را بر



ماری (روحیه) ماکسول/همسر شوقی افندی رهبران شعبایون انگلیسی بهائیت

روحیه ماکسول (از رهبران بهائیت و همسر شوقی افندی) تصریح می کند: «من ترجیح می دهم که جوان ترین ادیان (بهائیت) از تازه ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نما نماید و در حقیقت باید گفت آینده ما (بهائیت و اسرائیل) چون حلقیات زنجیر به هم پیوسته است.»

عباس افندی ۴۰ سال پیش از تأسیس اسرائیل تصریح می کند، که به خوبی عمق استراتژیک روابط میان یهودیان و بهائیان را نشان می دهد.

در این میان، مواضع سران بهائیت در برابر تشکیل رژیم جعلی اسرائیل گویای بسیاری از واقعیت ها است. روز سوم ژوئن سال ۱۹۲۲ میلادی انتشار یادداشت چرچیل (نخست وزیر وقت انگلستان) مبنی بر این که دولت متبوع وی در نظر دارد یک کانون ملی یهود در فلسطین بنا کند، باعث اعتراض های شدید مسلمانان شد، به گونه ای که پای سازمان ملل را نیز به میان کشید و «کمیته مخصوص رسیدگی به مسأله فلسطین» تشکیل شد. در آن مقطع، ارزیابی های گوناگون مورد بررسی قرار گرفت و ماهیت بسیاری از گروه ها و افراد بیش از پیش روشن شد. نامه شوقی افندی (رهبر وقت بهائیان) در این باره خطاب به رئیس کمیسیون مزبور، ماهیت سران فرقه را به خوبی روشن می کند: «... تنها یهودیان هستند که علاقه آن ها نسبت به فلسطین تا اندازه ای قابل قیاس با علاقه بهائیان به این کشور است؛ زیرا در اورشلیم بقایای معبد مقدسشان قرار داشته و در تاریخ قدیم، آن شهر مرکز مؤسسات مذهبی و سیاسی آنان بوده است.»^۸

روحیه ماکسول (از رهبران بهائیت و همسر شوقی افندی) نیز تصریح می کند: «من ترجیح می دهم که جوان ترین ادیان (بهائیت) از تازه ترین کشورهای جهان (اسرائیل) نشو و نما نماید و در حقیقت

در نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران هم آمده است: «با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش رابطه بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می رسانیم... در ملاقات با بن گورین، نخست وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان را برای پیشرفت دولت مزبور به او اعلام نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل داشته اند.»

همه دولت های جهان ترجیح می دهد.^۹ او همچنین به بهائیان فرمان می دهد به تشکیل محافل روحانی و ملی بر مبنای قوانین و مقررات دولت اسرائیل اقدام کنند: «در ارض اقدس، بر حسب قوانین و مقررات حکومت جدید التأسیس ... این گونه محافل را به وجود آورید»^۹ در حالی که در تشکیل همین محافل در کشورهای دیگر، رعایت قوانین و مقررات دولت ها را مطرح نمی کند!

بدین گونه رابطه بین سران بهائیت با رژیم اشغالگر قدس هر روز صمیمانه تر می شود و شورای بین المللی بهائیان طی نامه ای به محفل ملی بهائیان ایران می نویسد: «روابط حکومت [اسرائیل] با حضرت ولی امر الله و هیأت بین المللی بهائی، دوستانه و صمیمانه است و فی الحقیقه جای بسی خوشوقتی است که راجع به شناسایی امر [= بهائیت] در ارض اقدس [= اسرائیل] موفقیت هایی حاصل گردیده است.»^{۱۰} در نشریه رسمی محفل ملی بهائیان ایران هم آمده است: «با نهایت افتخار و مسرت، بسط و گسترش رابطه بهائیت با اولیای امور دولت اسرائیل را به اطلاع بهائیان می رسانیم ... در ملاقات با بن گورین، نخست وزیر اسرائیل، احساسات صمیمانه بهائیان را برای پیشرفت دولت مزبور به او اعلام نمودند و او در جواب گفته است: از ابتدای تأسیس حکومت اسرائیل، بهائیان همواره روابط صمیمانه با دولت اسرائیل



**شوقی افندی در تلگرافی
به محفل بهائیان ایران
خاطر نشان می‌کند:
«رئیس جمهور دولت
اسرائیل به اتفاق قرینه
محرمه ... اعتاب مقدسه
را در جبل کرمل زیارت
نمودند. این زیارت، اولین
تشریف فرمایی رسمی
است که از طرف یکی از
دول مستقله از مقامات
مقدسه حضرت اعلی و
مرکز میثاق حضرت بهاء
الله به عمل آمده است.»**

اسرائیل سپاسگزاری فراوان شد و ضمن تقدیر از اقدامات و مجاهدات بهائیان در کشور اسرائیل، آرزوی قلبی خویش را برای موفقیت جامعه بهائیان در اسرائیل و سراسر گیتی اظهار داشتند.^{۱۸}

شوقی افندی در تلگرافی به محفل بهائیان ایران خاطر نشان می‌کند: «رئیس جمهور دولت اسرائیل به اتفاق قرینه محرمه ... اعتاب مقدسه را در جبل کرمل زیارت نمودند. این زیارت، اولین تشریف فرمایی رسمی است که از طرف یکی از دول مستقله از مقامات مقدسه حضرت اعلی و مرکز میثاق حضرت بهاء الله به عمل آمده است.»^{۱۹}



بلکه «موقوفات بهایی در ارض اقدس از رسومات دولتی معاف و این معافیت بعداً شامل بیت مبارک حضرت عبدالبها و مسافرخانه شرقی و غربی نیز گردید... عقدا نامه بهایی به رسمیت شناخته شد. وزارت ادیان، قصر مزرعه را تسلیم نمود و وزارت معارف اسرائیل، ایام متبرکه بهایی را به رسمیت شناخت.»^{۱۶} با توجه به این امتیازات ویژه است که شوقی افندی تصریح می‌کند: «دولت اسرائیل، وسایل راحتی ما را فراهم کرد.»^{۱۷}

از سوی دیگر، دیدارهای سران عالی رتبه رژیم صهیونیستی و فرقه بهائیت نیز سطح بالای روابط میان آن‌ها را نشان می‌دهد. لروی آیواس، منشی کل شورای بهائیان، طی نامه‌ای به محفل بهائیان ایران در شرح ملاقات شوقی افندی و رئیس جمهور وقت اسرائیل می‌نویسد: «در این روز تاریخی، رئیس جمهور و خانمشان کل هیأت بین المللی بهایی را ... به حضور پذیرفتند. پس از لحظه‌ای رئیس جمهور و همراهان با اتومبیل روانه بیت مبارک شدند. حضرت ولی امر الله و حرم مبارک از رئیس جمهوری و خانم با لطف و محبت خاصی پذیرایی نمودند. ضمن مذاکرات دوستانه و غیر رسمی، حضرت ولی ... مقصد و مرام بهائیت را توضیح [دادند] و نظر مساعد و تمایل بهائیان را نسبت به اسرائیل بازگو کردند و آرزوی بهائیان را برای ترقی و سعادت اسرائیل برشمردند... وقت خداحافظی، از طرف رئیس جمهور

داشته‌اند.»^{۱۲}

البته دولت غاصب صهیونیستی نیز همراهی بهائیان را ارج می‌نهد، به گونه‌ای که «نرمان نیویج» یکی از مهره‌های مهم دولت اسرائیل (فرقه ساختگی بهائیت را در ردیف اسلام، مسیحیت و یهودیت قرار می‌دهد و آن را یک دین جهانی می‌نامد: «اکنون فلسطین را نباید فی الحقیقه منحصرآ سرزمین سه دیانت محسوب داشت، بلکه باید آن را مرکز و مقر چهار دیانت به شمار آورد؛ زیرا مرام بهایی که مرکز آن حیفا و عکا است و این دو مدینه زیارتگاه پیروان آن است، به درجه‌ای از پیشرفت و تقدم نایل گشته که مقام دیانت جهانی و بین المللی را احراز نموده است و همان طور که نفوذ این آیین در سرزمین مذکور روز به روز رو به توسعه و انتشار است، در ایجاد تفاهم و اتحاد بین المللی ادیان مختلفه عالم نیز عامل بسیار مؤثری به شمار می‌آید.»^{۱۳} همچنین بهائیان توانستند نخستین معبد بزرگ خود - مشرق الاذکار - را در آن جا بنا کنند: «موقوفات بین المللی بهایی بر صفحه جبل کرمل با امضای قراردادی با مقامات اسرائیلی برای ابتیاع قطعه زمینی به مساحت ۳۶ هزار متر مربع واقع در رأس جبل کرمل جنب غار ایلیا به مقدار زیاد افزایش یافته. همچنین با تملک نقطه‌ای که به قدم مبارک حضرت بهاء ... متبرک و محل نزول لوح کرمل بود، به قیمت یکصد و هشت هزار دلار خریداری گردید و قرار شد اولین مشرق الاذکار ارض اقدس در آن ساخته شود.»^{۱۴} و نیز «دولت اسرائیل آن قدر نسبت به بهائیان خوش بین است که در فرودگاه خود، احیا [بهائیان] را بازرسی نمی‌کند، به طوری که وقتی رئیس کاروان به پلیس اظهار می‌دارد این‌ها بهایی هستند، حتی یک چمدان را باز نمی‌کنند. ولی بقیه مسافرین - حتی کلیمی‌ها - را بازرسی می‌کنند، به طوری که یک کلیمی اعتراض کرده بود چرا بهائیان را بازرسی نمی‌کنید و ما را که این جا موطن مان است مورد بازرسی قرار می‌دهید؟!»^{۱۵} البته دامنه محبت‌ها به این جا محدود نمی‌شود؛



یکی از بهائیان جدا شده از این فرقه خاطر نشان می‌کند: «بهائیان هر دولتی را که اسلام ستیزی در آن باشد، واقعا دوست دارند و از آن حمایت می‌کنند» و در پایان تصریح می‌کند: «الآن عملاً جاسوس‌های بزرگ اسرائیل، بهایی‌ها هستند»

این ملاقات‌ها در سطوح بالا همچنان ادامه یافت و هماهنگی گسترده‌ای را بین دو طرف موجب شد؛ به گونه‌ای که شورای بین‌المللی بهائیان تصریح کرد: «هر قدر اشخاص در دوائر دولتی مقامشان بالاتر است، حس ادب و احترام و اطلاعات ایشان نسبت به امر [= بهائیت] بیش تر است. به همین طریق، مقامات عالیه در انجام امور، نظر مساعدتری داشته و در موارد لازم از کمک مضایقه نمی‌کنند.»^{۲۰}

چند سال بعد نیز والمان سازار، رئیس جمهور بعدی اسرائیل، در رأس هیأتی از مرکز بهائیان دیدار کرد: «حضرت والمان سازار، رئیس جمهور اسرائیل ... در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۶۴ از مرکز عالم بهایی به طور رسمی دیدن کردند... [ایشان] تحیات و ادعیه خالصانه خود را برای عموم احیاء [=بهائیان] در سراسر عالم ابلاغ نمودند و چندی بعد به یاد بود این دیدار یک آلبوم عکس... به مشارالیه هدیه گردید. حضرت رئیس جمهور پس از دریافت این هدیه در

ضمن نامه‌ای، تشکرات قلبی خود را اظهار و مجدداً پیام دوستی و حسن نیت خود را برای جامعه جهانی بهایی فرستاده‌اند.»^{۲۱}

در این میان، برخی گزارش‌های ساواک هم خواندنی است و به خوبی پیوند این فرقه را با زرسالاری یهود و صهیونیسم نشان می‌دهد:

«جلسه‌ای با شرکت ۱۲ نفر از بهائیان ناحیه ۲ شیراز در منزل آقای هوشمند و زیر نظر آقای فرهنگی تشکیل گردید. پس از قرائت مناجات شروع و خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان، آقای فرهنگی و محمدعلی هوشمند پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند. فرهنگی اظهار داشت: بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می‌توانند امتیاز هر چیزی را که می‌خواهند بگیرند. تمام سرمایه‌های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران مربوط به بهائیان و کلیمیان می‌باشد. تمام آسمان خراش‌های تهران، شیراز و اصفهان مال بهائیان است. چرخ اقتصادی این مملکت به دست بهائیان و کلیمیان می‌چرخد... آقایان بهائیان! نگذارید کمر مسلمانان راست شود!»^{۲۲} «... عباس اقدسی گفت: دولت اسرائیل در جنگ ۴۶ و ۴۷ قهرمان جهان شناخته شد و ما جامعه بهائیت، فعالیت این قوم عزیز یهود را ستایش می‌کنیم.»^{۲۳} «شنیده شده چندی قبل بهائیان ایران، مبلغ هنگفتی ... به اسرائیل کمک کرده‌اند. البته تصور می‌رود کمک بهایی‌ها از طریق آقای غفوری، نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران ... انجام گردیده.»^{۲۴}

بهائیان در کنار همه خدمات خود به رژیم صهیونیستی، جاسوسی برای این رژیم را به طور خاص پی می‌گیرند. در یکی از اسناد ساواک آمده است: «اسرائیل، مذهب بهایی‌ها را به عنوان یک مذهب رسمی در سال ۱۹۷۴ به رسمیت

شناخته است. دولت اسرائیل با اجرای برنامه تحجیب از افراد مزبور می‌کوشد از اقلیت فوق‌الذکر در سایر کشورهای جهان - به ویژه ایران - بهره‌برداری سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی کند.»^{۲۵}

در این باره، یکی از بهائیان جدا شده از این فرقه با تأکید بر این که هر فرد بهایی خود را موظف می‌داند اطلاعات مورد نیاز را در اختیار اسرائیل قرار دهد، خاطر نشان می‌کند: «بهائیان تعلق به هیچ کشور ندارند؛ چون تعلق خاطر به وطن در این‌ها کشته شده؛ چون یکی از اهداف و کارهای استعمار همین است که برای جاسوس پروری در هر کشوری باید حس وطن دوستی را از این‌ها بگیرد تا آمادگی پیدا کنند برای در اختیار استعمار قرار گرفتن»^{۲۶} و می‌افزاید: «بهائیان هر دولتی را که اسلام ستیزی در آن باشد، واقعا دوست دارند و از آن حمایت می‌کنند و به آن‌ها خدمت می‌کنند، تا جایی که می‌توانند خوش خدمتی می‌کنند.»^{۲۷} و در پایان تصریح می‌کند: «الآن عملاً جاسوس‌های بزرگ اسرائیل، بهایی‌ها هستند.»^{۲۸}

به دلیل همین همدلی‌ها میان اسرائیل و بهائیان بود که مسلمانان بیش از پیش به این فرقه حساس شدند و در برابر آن واکنش نشان دادند، از جمله: پس از شکست‌های سنگین اعراب از رژیم صهیونیستی و روشن شدن فعالیت بهائیان در کشورهای اسلامی برای جاسوسی به نفع تل‌آویو، «دفتر تحریم اعراب علیه اسرائیل» مقرر کرد «باید دولت‌های عربی از تحرکات بهایی‌ها و تشکیل محافل آن‌ها شدیداً خودداری کنند؛ زیرا صهیونیسم پشت آنان پنهان شده است.»^{۲۹}

مجمع‌الفرقه الاسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی نیز که فقهای ۵۷ کشور اسلامی در آن عضویت دارند، قطعنامه‌ای منتشر کرد که در آن، بهائیان به اجماع مسلمانان، کافر و خارج از دین اسلام شمرده شده‌اند و از دولت‌ها و ملت‌های اسلامی درخواست شده است اقدامی مقتضی در برابر آنان انجام دهند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عبد الله شهبازی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷.
۲. به نقل از وبلاگ عبد الله شهبازی.
۳. آهنگ بدیع، نشریه جوانان بهایی ایران، سال ۱۳۴۷، ش ۸ و ۷، ص ۲۰۹.
۴. آهنگ بدیع، سال ۱۳۳۰، ش ۳، ص ۵۳.
۵. بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، ص ۵۶۰.
۶. اخبار امری (ارگان بهائیان ایران)، ش ۱۰.
۷. نور الدین چهاردهی، چگونه بهائیت پدید آمد، ص ۷۱.
۸. سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۲۵۷.
۹. اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت، ص ۱۷۰.
۱۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱۱/۸.
۱۱. اخبار امری، ش ۵.
۱۲. همان.
۱۳. اسماعیل رائین، پیشین، صص ۱۷۱ - ۱۷۰.
۱۴. عباس افندی، قرن بدیع، ج ۲، صص ۲۳۱ - ۲۳۰.
۱۵. جواد منصوری، تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۳۰.
۱۶. سالنامه جوانان بهایی ایران، ج ۳، ص ۱۳۰.
۱۷. اخبار امری، ص ۱۰۷.
۱۸. همان، ش ۳.
۱۹. همان، ش ۱۲.
۲۰. همان، ش ۵.
۲۱. همان، ش ۸.
۲۲. عبد الله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۸۵.
۲۳. بهرام افراسیابی، پیشین، ص ۷۵۲.
۲۴. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ص ۵۳۶.
۲۵. علی زهیری، «عوامل مؤثر در شکل‌گیری رفتار سیاسی ایران در قبال اسرائیل»، فصلنامه انقلاب اسلامی، پیش شماره یک، ص ۱۵۹.
- ۲۶ - ۲۸. Kayhannews.ir.
۲۹. محمدرضا نصوری، «پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۸.
۳۰. صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۴.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۳۴.
۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵ تیر ۱۳۷۷.
۳۳. www.mouood.org.
۳۴. روزنامه جام جم، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۳.
۳۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ دی ۱۳۸۵.



امام خمینی (ره) هم در دوران نهضت باشکوه اسلامی، بارها در سخنان روشنگرانه خود درباره خطر بهائیان هشدار دادند: «آقایان باید توجه داشته باشند که بسیاری از پست‌های حسابی به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است»^{۳۱}؛

«این جانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است، استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به [صورت] حزب بهایی ظاهر شدند...»^{۳۲}



در شهریور ۱۳۸۲ آرپیل شارون، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی، در سفر به هند از مرکز بهائیان در دهلی‌نو که به «نیلوفر آبی» شهرت دارد، بازدید کرد.^{۳۴}

در ۱۷ دی ۱۳۸۵، اولمرت، نخست وزیر کنونی اسرائیل، در دیدار با سران فرقه ضاله بهائیت، مراتب ارادت خود را به آنان اعلام کرد و اطمینان داد که به احترام مقدسات بهایی‌ها در ایران، از حمله به این کشور منصرف شده است!^{۳۵}

سخن پایانی این که فارغ از عقاید خرافی، کفرآمیز و ضد اسلامی موجود در بهائیت، واقعیتی که راه را بر هر گونه سستی در برخورد قاطع با این فرقه ضاله می‌بندد، پیوند دیرین بهائیت با صهیونیسم است که باید مسؤولان امنیتی و قضایی کشورهای اسلامی با در نظر داشتن این وابستگی، استوارتر از گذشته در خشکاندن ریشه‌های فاسد این فرقه بکوشند.

پس از پیروزی انقلاب نیز سران فرقه بهایی و رژیم صهیونیستی دیدارها و روابط خود را گسترش داده‌اند: رئیس مجلس رژیم صهیونیستی در ۱۴ تیر ۱۳۷۷ ضمن بازدید از مرکز بهائیت در شهر حیفا، خواستار آزادی عمل پیروان آن در ایران شد.^{۳۳}

در اول خرداد ۱۳۸۰ مصادف با ۲۸ صفر - سالروز رحلت پیامبر اکرم (ص) و امام حسن مجتبی (ع) - رژیم صهیونیستی به مناسبت تجمع بهائیان برای افتتاح ساختمان مرکزی این فرقه در حیفا مراسم جشن و پایکوبی مفصلی به راه انداخت. ساخت این مجموعه ۲۵۰ میلیون دلاری با حمایت مستقیم اسحاق رابین، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی، از سال ۱۳۷۲ آغاز شده بود.^{۳۳}

فارغ از عقاید خرافی، کفرآمیز و ضد اسلامی موجود در بهائیت، واقعیتی که راه را بر هر گونه سستی در برخورد قاطع با این فرقه ضاله می‌بندد، پیوند دیرین بهائیت با صهیونیسم است که باید مسؤولان امنیتی و قضایی کشورهای اسلامی با در نظر داشتن این وابستگی، استوارتر از گذشته در خشکاندن ریشه‌های فاسد این فرقه بکوشند.